

دلایل و مسائل اجتماعی مرتبط با مهاجرت از دیدگاه مهاجران

محله خلیج فارس شمالی شهر تهران^۱

یونس اکبری*، محمدحسین بوچانی**، سراج‌الدین محمودیانی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۱)

چکیده

تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی به مطالعه دلایل مهاجرت و مسائل اجتماعی مهاجران ساکن محله خلیج فارس شمالی شهر تهران پرداخته است. حجم نمونه در این تحقیق ۲۳ نفر از مهاجران ساکن محله خلیج فارس شمالی است که بر مبنای نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. مصاحبه‌ها در زمستان ۱۳۹۸ و بهار ۱۳۹۹ انجام و با استفاده از تحلیل محتوای عرفی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که احساس عدم امنیت در محله، شلوغی، وضعیت نامناسب بهداشتی محله و وضعیت نامطلوب حمل و نقل عمومی، از مهمترین مسائل اجتماعی فعلی مهاجران منطقه مورد مطالعه است. برای مهاجران، بیکاری در مبدأ شرط لازم، و وجود آشنایان در مقصد، شرط کافی مهاجرت به شهر تهران، و به‌دست آوردن شغل نیز مهمترین نتیجه مهاجرت بوده است. با این حال، اقامت بلندمدت و کوتاه‌مدت در مقصد، تمایزاتی نگرشی در ذهنیت مهاجران نسبت به اقامت در مقصد یا بازگشت به مبدأ ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد سیاست تمرکزگرای توسعه، نه تنها سبب فقر هر چه بیشتر ساکنان فرودست استان‌های حاشیه‌ای کشور می‌شود، بلکه در درازمدت باعث بروز مسائل و انحرافات اجتماعی در مناطق و محله‌های فرودست‌نشین و حاشیه‌ای تهران نیز خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، مسائل اجتماعی و جمعیتی، محله خلیج فارس شمالی، مطالعه کیفی.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های اجتماعی مهاجران محله خلیج فارس شمالی: بر اساس یک کار کیفی» است که به کارفرمایی اداره کل مطالعات اجتماعی معاونت اجتماعی شهرداری تهران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام شده است.

* دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (نویسنده مسئول).

E-mail: younes.akbari1987@gmail.com

** دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدرس گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)، و

رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

E-mail: boochani10@yahoo.com

*** استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز.

E-mail: serajmahmoudiani@gmail.com

مقدمه

مهاجرت به عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تحولات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی در مبدأ و مقصد مهاجرت می‌گردد. مهاجرت نوعی جابجایی مکانی انسان‌ها است که به دلایل و با اهداف متفاوتی صورت می‌گیرد. برخی در زمینه مجموعه دلایل مؤثر بر مهاجرت به عامل‌های جاذبه و دافعه از جمله تفاوت در دستمزد و شرایط کاری و رفاه و کیفیت زندگی بین مناطق مبدأ و مقصد اشاره کرده‌اند (قاسمی‌اردهایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷۶). با این حال، مهاجرت به هر دلیلی که اتفاق بیفتد یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه مدتی نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل و یا عدم تعادل‌هایی را در جمعیت‌های تحت تأثیر خود به وجود آورد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت نشان‌گر پویایی و تلاش انسان است. انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی زمینه تلاش را برای خود محدود می‌دانند، اقدام به مهاجرت می‌کنند که این مهاجرت فرآیندی است که زندگی کل افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرت همچنین یک شتاب‌دهنده^۱ قدرتمند در بحث تغییرات اجتماعی به‌شمار می‌آید (پارادو و فلیپن^۲، ۲۰۰۵). مهاجرت از منظر اجتماعی می‌تواند تکثرگرایی را در جامعه مقصد تقویت کند و همچنین راهی برای انتقال هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی باشد. انتقال سرمایه و تأثیر بر قابلیت تولید اقتصادی (از طریق تغییر در میزان‌های فعالیت و اشتغال) مثال‌هایی از نتایج اقتصادی مهاجرت‌اند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). به علاوه، مهاجرت داخلی نقش سازوکار تعدیل‌کننده اقتصاد را بازی می‌کند (یو^۳، ۲۰۰۸: ۱). هر چند مهاجرت در قالب روند طبیعی آن امری عقلانی و دارای نتایج مثبت برای مبدأ و مقصد است، ولی نباید به این موضوع بی‌توجه بود که زمانی که روند مهاجرت از نرخ طبیعی خود عدول کند، نه تنها دارای نتایج مثبت نیست بلکه سبب عدم تعادل‌هایی در مبدأ و مقصد مهاجرت می‌شود و زمینه‌ساز بروز مسائل اجتماعی خواهد شد.

یکی از تبعات منفی مهاجرت به کلان‌شهرها عدم وجود ظرفیت‌های جمعیت‌پذیری از قبیل محدودیت اشتغال، مسکن مناسب و آسیب‌های اجتماعی ایجاد شده در شرایط افزایش جمعیت

-
1. Catalyst
 2. Parrado and Flippen
 3. Yue

است. به دلایل فوق‌الذکر، امروزه در کشور، مهاجرت و ابعاد گسترده آن در بین اقشار گوناگون به مسئله اجتماعی پیچیده تبدیل شده است (جعفرلو، ۱۳۹۷: ۴۴۶). منطقه ۱۸ شهرداری شهر تهران، به علت هزینه‌های زندگی کمتر نسبت به سایر مناطق این شهر، یکی از کانون‌های مهاجرپذیری از سایر مناطق محروم کشور است. لازم به توضیح نیست که فقر، محرومیت و حاشیه‌نشینی عامل بسیاری از مسائل اجتماعی است که طبیعتاً زندگی مهاجران این منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. افزایش جمعیت مهاجر که به امید به‌دست آوردن شغل و درآمد مهاجرت کرده‌اند را نمی‌توان در تشدید مسائل و مشکلات اجتماعی بی‌تأثیر دانست که این مسائل گریبان‌گیر خود این مهاجران نیز می‌شود. بر اساس داده‌های پیمایش رصد کیفیت زندگی شهری، این منطقه از نظر مسائل اجتماعی دارای رتبه ۱ تعداد معتادان به مواد مخدر، رتبه ۵ تعداد متکدی و رتبه ۸ تعداد کارتن‌خواب را در بین مناطق شهرداری است (رصدخانه شهری تهران، ۱۳۹۶). محله خلیج فارس شمالی در منطقه ۱۸ یکی از خوشه‌های محل اقامت این مهاجران است که مهاجران زیادی را در خود جای داده است. محله خلیج فارس شمالی در ناحیه ۵ شهرداری منطقه ۱۸ قرار دارد و بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی معادل ۳۴۷۲۰ نفر است (شهرداری تهران، ۱۳۹۹). تراکم محرومیت، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و فقر در این محله طبیعتاً زاینده مسائل اجتماعی‌ای است که کیفیت زندگی را در این محله کاهش خواهد داد. با این وجود، مطالعه‌ای در رابطه با مسائل اجتماعی مهاجران در این محله صورت نگرفته است. در این راستا و برای پر کردن این خلاء معرفتی قصد این پژوهش با پاسخگویی به سؤالات زیر، بررسی دلایل و مسائل مرتبط با مهاجرت از دیدگاه مهاجران این محله است.

بر اساس آنچه گفته شد، در مطالعه پیش رو تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود: چه دلایلی (رانشی و کششی) در مهاجرت مهاجران محله خلیج فارس شمالی شهر تهران تأثیرگذار بوده است؟ نگاه مهاجران به اقامت در مقصد و بازگشت به مبدأ چگونه است؟ درآمد و هزینه‌های آنها در مبدأ و مقصد چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟ نتایج مهاجرت در زمینه شغلی برای آنها چگونه بوده است؟ مهاجران محله خلیج فارس شمالی با چه مسائل اجتماعی روبه‌رو هستند؟

ملاحظات نظری

از آنجا که موضوع این تحقیق از جنس تحقیقات کیفی است و تفاسیر مشارکت‌کنندگان مبنای واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده است، ذکر نظریات مرتبط در این بخش به منظور استفاده از مفاهیم موجود و روشن‌تر کردن مسیر پیش‌روی محقق و نه اخذ فرضیات و دلالت‌های نظری است. به عبارت دیگر، ذکر ادبیات نظری در این تحقیق نه از جهت تدوین چارچوب نظری و اخذ فرضیه بلکه به جهت ایجاد حساسیت نظری در محققین بوده است. نظریه‌ها در این رویه تحقیقی سبب می‌شوند که محقق به جریان‌ها، مفاهیم و رویدادهای اصلی مرتبط با موضوع تحقیق حساس و برانگیخته شود. در واقع آشنایی با ادبیات تحقیق موجب فراهم آمدن زمینه فکری غنی از اطلاعاتی می‌شود که محقق را با چند و چون موضوعی که در دست مطالعه دارد، آشنا می‌نماید، علاوه بر این، محقق در زمان شکل‌گیری مفاهیم و مقولات، از مفاهیم موجود و جافتاده در ادبیات تحقیق نیز بهره می‌گیرد.

قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه مربوط به مهاجرت داخلی و بین‌المللی، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک^۱ یا نظریه تعادل^۲ است که در ابتدا برای توضیح مهاجرت کاری در فرآیند توسعه اقتصادی به کار گرفته شد. این نظریه ابتدا توسط رانیز و فای^۳ (۱۹۶۱) و سپس تودارو (۱۹۶۹) مطرح و گسترش یافت. براساس این نظریه و بسط‌های بعدی آن، هر دوی مهاجرت‌های بین‌المللی و داخلی برحسب تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار شکل می‌گیرند (مسی و همکاران، ۱۹۹۳).

رویکردهای اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت، تفاوت دستمزد بین مبدأ و مقصد را به‌عنوان علت ریشه‌ای تصمیم فرد به مهاجرت در نظر می‌گیرند. مهاجران اغلب مهاجران کار هستند؛ آن‌ها ممکن است بازیگران منطقی باشند که هزینه و فایده مهاجرت را در نظر بگیرند. مهاجران ممکن است تصمیمات خود را بر روی عوامل دافعه و جاذبه قرار دهند، که اولی به مشکلات اقتصادی که زندگی در مبدأ را سخت می‌کند، اشاره دارد و دومی به فرصت بالقوه اقتصادی در مقصد اشاره می‌کند (پاریلو، ۲۰۰۸).

اقتصاد جدید مهاجرت به‌منظور به چالش کشیدن بسیاری از مفروضات و نتایج نظریه

-
1. Neo-Classical Theory
 2. The Equilibrium Theory
 3. Ranis and Fei

نئوکلاسیک شکل گرفت. بینش کلیدی این رویکرد جدید این بود که تصمیمات مهاجرت توسط کنشگر فردی و در انزوا گرفته نمی‌شود، بلکه از طریق واحدهای بزرگ‌تر متشکل از افراد مرتبط یعنی خانواده یا خانوار گرفته می‌شود (مسی و همکاران، ۱۹۹۳). این دیدگاه، رفتار مهاجرتی کنشگران را به سطح خانوار توسعه داده و فرض می‌کند که با افزایش درآمد فرد، درآمد خانوار نیز افزایش می‌یابد (استارک، ۱۹۹۱). این نظریه توسط استارک و بلوم^۱ (۱۹۸۵)، کاتز^۲ و استارک (۱۹۸۶) و تایلور^۳ (۱۹۸۶) طرح و بحث شده است (آدهیکاری^۴، ۲۰۱۲).

یکی دیگر از بینش‌های جدید که در فرآیند مهاجرت و در چارچوب نظریات اقتصاد جدید مهاجرت می‌گنجد رویکرد استراتژی خانوار است که توسط چانت^۵ و رادکلیف^۶ (۱۹۹۲) ارائه شد. در این رویکرد تصمیم به مهاجرت به جای اقدامی فردی، به‌عنوان بخشی از استراتژی زندگی خانوار نگریسته می‌شود. در جریان استراتژی‌سازی ممکن است که حرکت‌ها، انگیزه‌ها و ترجیحات اعضای خانوار همگرا و یا در کشاکش باشند (وایت^۷، ۲۰۰۹).

مهمترین و نخستین نظریه‌ای که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ درباره حرکت‌های جغرافیایی انسان‌ها در جوامع مطرح شد تحت عنوان مدل‌های جاذبه و دافعه^۸ شناخته می‌شوند. در این مدل‌ها نظریه‌پردازان به‌طور کلی به دو دسته عوامل توجه دارند: عواملی که باعث دفع انسان‌ها از محل سکونت خود (منطقه مبدأ) شده است و دسته دوم عواملی که باعث جذب آن‌ها در منطقه مقصد می‌گردد. نخستین تبیین نظری در خصوص قانونمندی‌های مهاجرت توسط ارنست جورج راونشتاین تحت عنوان قوانین مهاجرت و در قالب دو مقاله در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ به چاپ رسید. در مدل وی دو دسته عوامل جاذبه و دافعه در کنار متغیر فاصله جغرافیایی مورد تأکید است (میرزامصطفی و قاسمی، ۱۳۹۲).

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ تئوری شبکه به‌طور مشخص توسط داگلاس مسی مطرح شد که «علیت تجمعی»^۹ مهاجرت را مورد بررسی قرار داد. در این دیدگاه هزینه و فایده

1. Stark and Bloom
2. Katz
3. Taylor
4. Adhikari
5. Chant
6. Radcliffe
7. White
8. Pull and Push Models
9. Cumulative Causation

مهاجرت در قالب شبکه‌های مهاجرتی مورد تبیین قرار می‌گیرد. شبکه‌های مهاجران مجموعه‌ای از پیوندهای بین فردی است که مهاجران، مهاجران قبلی و غیرمهاجران را در مبدأ و مقصد از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و جامعه مشترک مبدأ، به هم ارتباط می‌دهد (مسی^۱ و همکاران، ۱۹۹۳: ۴۴۸). شبکه‌های مهاجران، با کاهش هزینه‌ها و مخاطرات مرتبط با مهاجرت و افزایش منافع آن، میزان مهاجرت را افزایش می‌دهند. پیوندهای شبکه‌ای در قالب سرمایه اجتماعی، دسترسی مهاجر به امکانات مقصد تسهیل می‌کنند. به محض اینکه تعداد مهاجران به تعداد قابل توجهی (آستانه حساس) افزایش یافت، کاهش هزینه‌ها و خطرات مهاجرت‌های بعدی اتفاق می‌افتد. مهاجرت‌های اولیه یا پیشگامانه (به علت عدم آشنایی) با هزینه‌های زیادی همراه می‌باشد. اما مهاجرت‌های بعدی (به علت وجود آشنا در مقصد) به تدریج کم هزینه‌تر می‌شوند. کاهش مخاطرات (نظیر عدم دستیابی به شغل مناسب) مهاجرت نیز به همین صورت انجام می‌گیرد (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷).

آن گونه که از نظریات فوق‌الذکر برمی‌آید غالب نظریات مهاجرتی به جنبه‌های اقتصادی و شغلی تأکید داشته‌اند و دافعه و جاذبه، چه در سطح فرد و چه در سطح خانوار، بر مبنای هزینه و فایده دنیای اقتصاد در نظر گرفته‌اند و به نسبت عوامل اقتصادی توجه چندانی به ملاک‌های فرهنگی و اجتماعی صورت نگرفته است علاوه بر این، غالب این نظریات به علت تمرکز بر جنبه‌های اقتصادی و جمعیتی، توجه چندانی به مسائل اجتماعی مهاجران نداشته‌اند.

پیشینه تحقیق

در زمینه مهاجرت مطالعات خارجی و داخلی متعددی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به تحقیقات هوگارت^۲، ۱۹۹۶ (تمرکز بر مهاجرت شهر به روستا در اروپا)، چامپیون^۳، ۲۰۰۱ (تمرکز بر تداوم حرکت جمعیت شهری-روستایی)، ادوال^۴، ۲۰۰۵ (تمرکز بر عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مهاجرت)، مندولا^۵، ۲۰۱۰ (تأکید بر مهاجرت روستایی و توسعه

-
1. Massey
 2. Hoggart
 3. Champion
 4. Adewale
 5. Mendola

اقتصادی در مبدأ)، بیوچمین^۱، ۲۰۱۱ (تأکید بر مهاجرت روستا- شهری)، قاسمی اردهایی، ۱۳۸۷ (تأکید بر ویژگی‌های مهاجران)، راغفر و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۸ (تأکید بر علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی- اقتصادی مهاجران بین شهرستانی)، ربانی و همکارانش، ۱۳۹۰ (تأکید بر علل و انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی- اقتصادی)، زاهد و خورشیدی، ۱۳۹۰ (تأکید بر رضایت‌مندی از مهاجرت)، مطیعی لنگرودی و همکارانش، ۱۳۹۰ (تأکید بر بهبود معیشت در مهاجرت معکوس)، مظاهری، ۱۳۹۰ (تمرکز بر علل مهاجرت معکوس)، بنی‌اسدی و همکارانش، ۱۳۹۲ (تمرکز بر علل اقتصادی مهاجرت روستاییان)، ایراندوست و همکارانش، ۱۳۹۲ (تمرکز بر دگرگونی الگوی مهاجرت)، قاسمی اردهایی، ۱۳۹۷ (تأکید بر ویژگی‌های مهاجران)، قاسمی، ۱۳۹۷ (تمرکز بر بحث مهاجرت و مسکن)، جعفرلو، ۱۳۹۷ (تمرکز بر بحث مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی)، شمسی‌الدینی و گرجیان، ۱۳۸۹؛ مانپور و امیری فهلیانی، ۱۳۹۴؛ محمودیانی، ۱۳۹۶، محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷ (تأکید بر عوامل اقتصادی و شغلی مهاجرت) اشاره کرد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که غالب این تحقیقات با رویکرد کمی و با فرضیات مستخرج از نظریه‌های جمعیتی و عموماً نیز با رویکردی پهن‌دامنه به مسئله مهاجرت پرداخته و کمتر با رویکردی کیفی و تفسیری و عمقی به کنکاش معنای ذهنی مهاجران از مهاجرت و مسائل مرتبط با آن نظر افکنده‌اند. در این راستا تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی به بررسی دلایل و مسائل اجتماعی مرتبط با مهاجرت از دیدگاه مهاجران محله خلیج فارس شمالی پرداخته است.

روش تحقیق و داده‌ها

با در نظر گرفتن ماهیت موضوع پژوهش، روش‌شناسی این پژوهش، کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسانه است. بدین معنا که سعی شده تفاسیر ذهنی پاسخگویان از پدیده مهاجرت مبنای واقعیت اجتماعی قرار گیرد. علت استفاده از این رویکرد بررسی تجربه زیسته و فهم ذهنی مشارکت‌کنندگان از پدیده مهاجرت است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز این پژوهش با ۲۳ مشارکت‌کننده مصاحبه عمیق انجام شده است. جدول ۱ بیانگر ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر است.

جدول ۱: ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در تحقیق

ردیف	جنس	سن	وضعیت تأهل	شغل	تحصیلات	مدت مهاجرت
۱	مرد	۲۹	مجرد	دبیر	فوق لیسانس	۳ سال
۲	زن	۳۲	متاهل	کارمند	فوق لیسانس	۴ سال
۳	مرد	۳۵	مجرد	مغازه دار	لیسانس	۳۰ سال
۴	مرد	۶۷	متاهل	بازنشسته	ابتدایی	۴۰ سال
۵	مرد	۵۶	متاهل	بازنشسته	سیکل	۴۰ سال
۶	زن	۴۵	مجرد	کارمند	لیسانس	۵ سال
۷	مرد	۳۱	متاهل	دبیر	لیسانس	۳ سال
۸	مرد	۶۲	متاهل	بازنشسته	ابتدایی	۴۵ سال
۹	زن	۲۷	متاهل	کارمند	فوق لیسانس	۲ سال
۱۰	مرد	۳۶	مجرد	کارمند	لیسانس	۸ سال
۱۱	مرد	۳۳	متاهل	آزاد	دیپلم	۹ سال
۱۲	مرد	۲۷	متاهل	آزاد	دیپلم	۳ سال
۱۳	زن	۲۶	متاهل	خانه‌دار	دیپلم	۷ سال
۱۴	مرد	۳۱	متاهل	دبیر	دانشجوی دکتری	۲ سال
۱۵	زن	۲۶	متاهل	کارمند	فوق لیسانس	۱ سال
۱۶	زن	۲۸	متاهل	خبرنگار	فوق لیسانس	۱۰ سال
۱۷	مرد	۳۵	متاهل	کارگر	دیپلم	۱۱ سال
۱۸	زن	۲۵	متاهل	خانه‌دار	دیپلم	۸ سال
۱۹	مرد	۳۰	مجرد	آزاد	لیسانس	۴ سال
۲۰	مرد	۵۵	متاهل	آزاد	سیکل	۲۵ سال
۲۱	زن	۲۹	متاهل	خانه‌دار	دیپلم	۷ سال
۲۲	مرد	۳۱	مجرد	آزاد	دیپلم	۸ سال
۲۳	مرد	۳۳	مجرد	آزاد	لیسانس	۶ سال

از ۲۳ مشارکت‌کننده در این تحقیق ۱۶ نفر متأهل و ۷ نفر مجرد بوده‌اند که به صورت نمونه‌گیری نظری و به علت عدم آشنایی و دسترسی سخت به مهاجران با معرفی توسط سایر مشارکت‌کنندگان (گلوله برفی) انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی^۱ بهره گرفته شده است. در این روش تحلیل سعی شده که از به کار گرفتن مقوله‌ها و پیش‌پنداشته پرهیز شود و در عوض تلاش شود که مضامین اصلی از دل مصاحبه‌ها ناشی شود. در واقع، در این روش ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و سپس واحدهای معنایی و مفهومی مشخص و یک مفهوم یا مقوله به هر واحد معنایی اختصاص یافت. در ادامه، این واحدهایی معنایی بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که با هم داشتند، دسته‌بندی شده و کدها و مفاهیم خاصی به آنها اختصاص داده شد. در نهایت، به مجموع این دسته‌ها یک مقوله یا کد محوری یا هسته اطلاق شد. فرآیند ذکر شده در این تحقیق به وسیله نرم افزار مکس کیودا انجام شده و کدبندی مصاحبه‌های تحقیق از این طریق میسر گردید.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق مفاهیم، مقوله‌های محوری و کدهای اصلی که از کدبندی‌های باز مصاحبه‌های انجام شده اخذ شده‌اند تحلیل و تفسیر شده‌اند و برای هر یک نیز شواهدی مستند از مصاحبه‌های انجام شده ذکر گردیده است. جدول زیر بیان‌گر مفاهیم استخراج شده از کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی هستند که از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده استخراج شده‌اند.

جدول ۲: مفاهیم و مقولات استخراج شده بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقوله‌ها	کدهای اصلی	کد هسته
نبود فرصت شغلی در شهرستان مبدأ مهاجرت، ترس از بیکاری در شهرستان مبدأ مهاجرت، وجود آشنا و فامیل در مقصد، آشنایی قبلی با مقصد مهاجرت.	نبود شغل در مبدأ، شبکه خویشاوندی و فامیلی در مقصد	دافعه مبدأ و شرط کافی برای مهاجرت	دلیل مهاجرت
دغدغه خانواده در شهرستان، برآورده نشدن انتظارات در تهران، احساس تعلق به شهرستان، وجود حس غربت، پشیمانی از مهاجرت، هزینه زندگی کمتر در شهرستان، تمایل به بازگشت در صورت حفظ شغل	اقامت کوتاه مدت در مقصد (نگرش مثبت به بازگشت به مبدأ)	نگرش به مهاجرت و بازگشت به مبدأ	پایه‌های نگرشی و نتایج شغلی مهاجران، مسائل اجتماعی
عادی شدن شرایط، اقامت و تشکیل زندگی فرزندان در تهران، احساس غربت در شهرستان، نبود حس غربت در مقصد، درآمد مناسب در مقصد، احساس تعلق به مقصد، عدم تمایل به بازگشت به شهرستان، داشتن روابط گسترده در تهران	اقامت طولانی مدت در مقصد (نگرش منفی به بازگشت به مبدأ)	بازگشت به مبدأ	
درآمد بیشتر و هزینه بیشتر در مقصد مهاجرت، درآمد کمتر و هزینه کمتر در مبدأ مهاجرت	یکسان بودن دخل و خرج (در اقامت کوتاه مدت)	توازن درآمد و هزینه در مبدأ و مقصد	
افزایش اعتماد به نفس، افزایش درآمد، بهبود روابط اجتماعی، استقلال مالی و بهبود کیفیت زندگی	نتایج مثبت به دست آوردن شغل	نتایج مطلوب مهاجرت در زمینه شغلی	
شلوغ بودن محله، وضعیت نامناسب بهداشتی معابر و محله، نبود بی آر تی (اتوبوس‌های تندرو)، نبود مترو، دسترسی نامناسب به بی آر تی (اتوبوس‌های تندرو) و مترو، دزدی، دست‌فروشی، تکدی‌گری، وجود معتادان، وجود جوانان بیکار و موتورسوار، زورگیری و دعوا	شلوغی و وضعیت نامناسب بهداشتی محله، پوشش نامطلوب مترو و بی آر تی، عدم امنیت	مسائل اجتماعی گریبان‌گیر مهاجران در مقصد	مسائل اجتماعی مهاجران

دلایل مهاجرت

دافعه مبدأ و شرط کافی برای مهاجرت

در رابطه با علت اصلی مهاجرت، اکثر مهاجران که غالباً نیز کسانی هستند و مدت کوتاهی از مهاجرت آنها می‌گذرد، نبود شغل و کار در شهرستان مبدأ مهاجرت خود را به عنوان علت اصلی مهاجرت ذکر کرده‌اند. در واقع، علت اصلی مهاجرت، به نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، دافعه مبدأ بوده است تا جاذبه مقصد. به طوری که اگر شغلی در شهرستان برای آنها وجود داشت که به نوعی شأن و منزلت آنها نیز حفظ می‌شد قاعدتاً آنها تحمل شرایط زندگی در تهران را نکرده و ابتدا به ساکن مهاجرت نمی‌کردند و حتی در صورت وجود شغل در زادگاه، بدون درنگ به شهرستان محل سکونت خود باز می‌گشتند. عامل اصلی که سبب شده مهاجران به منطقه محل سکونت خود بازنگردند، ترس از بیکار شدن در مبدأ مهاجرت است و نه جذابیت مقصد مهاجرت. مشارکت‌کننده شماره (۱۱): «کار نیست بخوام از این شغل بیام بیرون و برگردم شهرمون؛ دیگه کاری ندارم برم سراغش... بیکاریه اونجا... وام‌هام رو چچور پس بدم». در این وضعیت مهاجران تمایل بسیاری به بازگشت به مبدأ مهاجرت خود دارند ولی به علت مهیا نبودن شرایط کاری و شغلی مجبور به اقامت در تهران هستند و این اقامت توأم با بیزاری از سکونت در تهران است.

علاوه بر درآمد پایین و شغل غیردلخواه و یا نبود شغل در مبدأ مهاجرت بایستی عامل دیگری نیز در کار باشد که مهاجران را مصمم به مهاجرت به تهران کرده باشد. غالب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، عنوان کرده‌اند که از قبل از مهاجرت به تهران با مقصد مهاجرت خود آشنایی داشته‌اند و چندین بار به تهران آمده و از نزدیک زندگی در تهران را لمس کرده‌اند. چنین ارتباطی به واسطه وجود آشنایان و فامیل‌های ساکن آنها در تهران بوده که از قبل از به تهران مهاجرت کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره (۱۵): «چون عمه و بعضی از فامیل‌های پدریم در تهران بودند و در این اواخر هم برادرم در تهران تشکیل زندگی داد، خیلی به تهران رفت و آمد داشتیم و یک شناخت نسبی از تهران داشتیم». در واقع، وجود عوامل دافعه مبدأ شرط لازم برای مهاجرت بوده‌اند، ولی شرط کافی برای مهاجرت وجود آشنایان و فامیل در تهران است که به واسطه آنها از قبل با محیط تهران آشنا شده باشند. این آشنایان نقش تسهیل‌کننده مهاجرت یا همان شرط کافی مهاجرت را برای مهاجران دارند.

علاوه بر این، مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر تنها یک دلیل را علت اصلی انتخاب محله خلیج فارس شمالی برای محل سکونت در تهران عنوان کرده‌اند و آن هم ارزان بودن هزینه‌ها نسبت به سایر محله‌های دیگر است. بسیاری از جامعه‌شناسان به فرض انتخاب‌گری آگاهانه و سوژه فعال بودن انسان نگاه خوش‌بینانه‌ای دارند؛ ولی باید این نکته را در نظر گرفت که هر چند افراد در انتخاب‌هایشان تأثیرگذار هستند و میزانی از سوژگی را با خود حمل می‌کنند، ولی این انتخاب و کنش‌گری در خلأ اتفاق نمی‌افتد و انتخاب‌های انسانی در فضایی از امکان‌ها روی می‌دهد که بی‌شمار نیست و محدودیت‌های خاص خود را دارد. به عبارت دیگر اگر انسان انتخاب می‌کند، انتخاب او صرفاً از بین تعداد مشخصی امکان است که منابع در اختیار قرار می‌دهند و به او اجازه فکر کردن و انتخاب را می‌دهند. فضای مقدرات او بی‌نهایت نیست؛ بلکه محدود به سرمایه‌های در اختیار اوست. در همین راستا، مهاجران تازه وارد نیز بر مبنای سرمایه‌های در اختیارشان مجبور به انتخاب محله ارزان قیمت‌تر خلیج فارس هستند. علاوه بر این، آنها از بین موارد متعدد محله‌های ارزان قیمت بدین جهت محله خلیج فارس را انتخاب کرده‌اند که در این محله آشنایان و فامیل از قبل ساکن شده دارند و هزینه‌های ناآشنا بودن با محیط جدید را پرداخت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، آن‌گونه که مشخص است دلیل دیگری علاوه بر ارزان بوده هزینه‌های این محله نسبت به محله‌های دیگر برای انتخاب مهاجران می‌توان عنوان کرد و آن هم تشکل شبکه اولیه یا همان وجود آشنایان قبلی در محله خلیج فارس قبل از مهاجرت آنهاست. وجود شبکه مهاجرتی که با کاهش ریسک‌های جریان مهاجرت همراه است از دلایل مهم انتخاب منطقه مورد بررسی به عنوان مقصد مهاجرتی از سوی مهاجران بوده که خود یکی از تسهیل‌کننده‌های مهاجرت به تهران بوده است.

پیامدهای نگرشی و نتایج شغلی مهاجرت

نگرش به مهاجرت و بازگشت به مبدأ

مقوله نگرش به مهاجرت و بازگشت به مبدأ را می‌توان در دو وضعیت مشاهده کرد. یک وضعیت، در ارتباط با مهاجرتی است که مدت زیادی از اقامت‌شان در تهران نمی‌گذرد و وضعیت دیگر در ارتباط با مهاجرتی است که مدت طولانی از زمان مهاجرت آنها می‌گذرد. تفاوت در مدت اقامت در مقصد مهاجرت، تفاوت در طرز فکر و نگرش و رفتار نسبت به مسائل دیگری را به

همراه دارد که به راحتی می‌توان بین این دو دسته از مهاجران تفاوت ماهوی قائل شد. البته باید خاطرنشان کرد که خود مدت مهاجرت را نمی‌توان عامل اصلی ایجاد این تفاوت در نگرش و رفتار قلمداد کرد، بلکه تغییراتی که در این بازه زمانی برای فرد مهاجر به وقوع می‌پیوندد عامل اصلی تمایز بین تازه‌واردان و قدیمی‌ها خواهد بود.

اقامت کوتاه‌مدت در مقصد (نگرش مثبت به بازگشت به مبدأ)

در وضعیتی که مهاجرین مدت زمانی کوتاهی از مهاجرت آنان به تهران می‌گذرد ذهنیت مشخصی بر آنها مستولی می‌شود که ناشی از عوامل گوناگونی است. در این وضعیت غالباً میل به بازگشت به مبدأ بسیار شدید است و در صورت فراهم بودن شرایط کاری و شغلی این بازگشت به مبدأ مهاجرت از سوی مهاجرین اتفاق می‌افتد. تحلیل و تفسیر مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان در پژوهش حکایت از آن داشت که این دسته از مهاجرین کماکان به زادگاه خود احساس تعلق زیادی دارند و در مقابل در تهران حس بیگانه بودن را با خود یدک می‌کشند. احساس تعلق ذهنی امری نیست که به صورت دفعی شکل گیرد؛ بلکه فرآیندی طولانی‌مدت و حاصل تجربه زیسته افراد در محیطی مشخص و ارتباط با سایر افراد آن محیط است. این احساس تعلق برای مهاجرین تازه وارد به تهران هنوز به وجود نیامده و تمایل آنها به بازگشت به جایی که به آن تعلق دارند از گزاره‌های آنها مشهود است و به گفته خود آنها در اینجا اگر احساس تعلق دارند، صرفاً تعلق به شغل است نه مکان و افراد. مشارکت‌کننده شماره (۲۲): «تعلقم به تهران فقط به خاطر کارم و شغلمه». به نظر می‌رسد این عدم احساس تعلق به تهران برای مهاجرین تازه وارد امری طبیعی باشد، ولی این احساس تعلق در طولانی‌مدت بسته به تغییر شرایط، رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرد و احتمالاً با عدم احساس تعلق به شهرستان زادگاه جایگزین خواهد شد. مشارکت‌کننده شماره (۶): «من اینجا یک شوخی بکنم که وقتی از گردنه اسدآباد به سمت کرمانشاه می‌رم به اصطلاح رنگ و رویم باز همیشه یعنی احساس میکنم وارد بهشت شدم... هیچ وقت و هیچ وقت اگه مسأله کارم نبود اینجا رو انتخاب نمی‌کردم». این احساس تعلق به افراد خانواده و خویشاوندان در شهرستان سبب می‌شود فرد نسبت به آنها دغدغه داشته باشد و نگرانی در مورد وضعیت آنها را همیشه به همراه خود داشته باشد و از آنجا که مهاجرین تازه‌وارد به تهران غالباً خانواده و خویشاوندان خود را در شهرستان ترک کرده‌اند و این نگرانی و دغدغه

به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی و زیست روزمره آنها تبدیل شده است. آن گونه که از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش مشخص است غالب آنها تجربه زیسته توأم با نگرانی نسبت به خانواده در شهرستان را تجربه می‌کنند.

علاوه بر این، زندگی در کلان‌شهرها و شهرهای کوچک ویژگی‌های رفتاری خاص خود را به ساکنان آنها تحمیل می‌کند. زندگی در شهرستان‌ها یا به بیان زیمیل زندگی در اجتماعات کوچک با صمیمیت و ارتباط بیشتر و عمیق‌تر همراه است. معاشرت‌ها در این اجتماعات، به واسطه کوچک بودن و امکان‌پذیر بودن و غلبه روحیه جمع‌گرایی بر فردگرایی، بیشتر از کلان‌شهرهایی مانند تهران است. مهاجرین تازه‌وارد از شهرهای کوچک به تهران، دارای چنین روحیه جمع‌گرایی هستند و زمانی که در کلانشهر تهران روابط را سردتر، سطحی‌تر و فردگراتر در می‌یابند و میزان معاشرت‌های عمیق آنها نسبت به شهرستان کم‌تر می‌شود، آن‌را حالتی مرضی و غیر طبیعی در نظر می‌گیرند و زندگی در چنین وضعیتی را آزاردهنده قلمداد می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره (۲۱): «تنهام اینجا و دوست دارم با دوستانم و فامیلام باشم... دوست دارم رفت و آمد باشم». علاوه بر این، مهاجران تازه‌وارد به تهران، زندگی‌ای توأم با حس غربت را تجربه می‌کنند مشارکت‌کننده شماره (۹): «گرچه هنوز هم نتوانستم بر این غم دوری مرهم بگذارم ولی اوایل خیلی بدتر بودم و خیلی گریه می‌کردم و کارم شده بود دیدن عکس خانواده و گریه کردن». درواقع، این احساس غربت احساسی است که همراه با عدم تعلق مکان به فرد دست می‌دهد.

نکته دیگر در صحبت‌های مهاجران تازه‌وارد به تهران این است که غالباً از هزینه‌های کمتر در شهرستان و گران بودن هزینه‌های زندگی در تهران صحبت می‌کنند. زندگی در شهرستان، علاوه بر کاهش هزینه‌های رفت و آمد، مسکن و... ارزان‌تر، بهره‌مند شدن از خدمات خانواده بزرگ‌تر را نیز به همراه دارد که در تهران چنین خدماتی برای مهاجرین وجود ندارد. مواد فوق‌الذکر سبب شده که مهاجران تازه‌وارد از برآورده نشدن انتظاراتشان در تهران سخن بگویند و این‌گونه عنوان کنند که از مهاجرت به طور کلی احساس پشیمانی می‌کنند ولی به علت نبود شغل در شهرستان شرایط سخت زندگی را در محله خلیج فارس تحمل می‌کنند.

اقامت طولانی مدت در مقصد (نگرش منفی به بازگشت به مبدأ)

دوم وضعیتی است که مهاجرت سال‌ها قبل اتفاق افتاده و مهاجر مدت طولانی ساکن تهران بوده

است. در این وضعیت بین مهاجران اولیه با مهاجران تازه‌وارد تفاوت کیفی وجود دارد. مهاجران اولیه نه به دلیل نبود شغل در شهرستان بلکه برای پیشرفت بیشتر و به‌دست آوردن کار بهتر به تهران مهاجرت کرده‌اند؛ یعنی مهاجرت‌ها از نوع کاری و اقتصادی بوده‌اند. مشارکت‌کننده شماره (۵): «ما او مدیم تهران چون می‌گن تهران بندره... همیشه کار داره... شهرستان کار نداره... همه فامیل و آشناها مون هر کی می‌اومد، می‌اومدن تهران؛ نه جای دیگه و وضعشونم خوب می‌شد» این یافته را می‌توان بر اساس نظریه محرومیت نسبی^۱ در مورد مهاجران اولیه تبیین کرد. محرومیت نسبی پاسخ خودکار به شرایط نابرابر و نیز ارزیابی کاملاً منطقی مالکیت منابع مختلف نیست بلکه ادراکی از این موضوع است که افرادی به ناروا فاقد منابع مطلوب بوده و در مقابل دیگرانی نیز همان منابع را دارا هستند. محرومیت نسبی این حس را القا می‌کند که افراد قابلیت مقایسه شدن با یکدیگر را دارند و لذا ثروت خود را با دیگری ارزیابی خواهند کرد. به نظر برگر و لاکمن چون امروزه افراد به گروه‌های متعددی تعلق دارند. بنابراین امکان این نوع ارزیابی و مقایسه بیشتر فراهم شده است (کیوران و ساگوی، ۲۰۰۱). نظریه مذکور در چارچوب اقتصاد جدید مهاجرت تدوین یافته است.

مُبدعان این رویکرد (استارک، ۱۹۸۴ و ۱۹۹۱ و استارک و بلوم، ۱۹۸۵) معتقدند که افراد یا خانوارها نه فقط برای به حداکثر رساندن درآمد مطلقشان، بلکه همچنین جهت بهبود موقعیت‌شان نسبت به گروه‌های مرجع خود مهاجرت می‌کنند. به عبارتی، خانوارها نه تنها در جهت بهتر شدن درآمدشان فعالیت می‌کنند، بلکه می‌خواهند درآمدشان را نسبت به درآمد دیگر افراد جامعه نیز ارتقاء دهند. اگر درآمد خانوارها پایین باشد به مهاجرت برانگیخته می‌شوند، ولی اگر سطح درآمد در همه جا پایین باشد سطح انگیزش برای مهاجرت کاهش خواهد یافت. اگر برخی خانوارها درآمد بیشتری داشته باشند، خانوار فقیر هم به‌طور نسبی و هم به‌طور مطلق احساس محرومیت می‌کند و انگیزه به مهاجرت افزایش خواهد یافت (مسی، ۱۹۹۰: ۱۳).

عوامل مختلفی دست به دست هم داده که این دسته از مهاجران دیگر تمایلی به بازگشت به شهرستان زادگاه خود نداشته باشند. ابتدا اینکه با طولانی شدن مدت اقامت، احساس تعلق به مکان و افراد نیز شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، حس تعلق به واسطه تجربه زیسته طولانی با

افراد و در مکان شکل می‌گیرد. از آنجا که مهاجران تازه‌وارد مدت کوتاهی از اقامتشان در مقصد می‌گذرد، به مکان زندگی قبلی خود که از آنجا مهاجرت کرده‌اند احساس تعلق دارند؛ ولی در مهاجرانی که مدت طولانی از اقامتشان در مقصد مهاجرت می‌گذرد این تجربه زیسته طولانی مدت جایگزین تجربه قبلی می‌شود و حس تعلق آنها به مقصد بیشتر از مبدأ مهاجرت است.

با طولانی شدن زمان مهاجرت غالباً شرایط سخت اولیه رو به عادی شدن می‌گذارد و مقتضیات زندگی در شهرهای بزرگ جایگزین شرایط زیست در شهرهای کوچک می‌شود. جنس روابط به تدریج از روابط خاص اجتماع به روابط خاص جامعه تغییر پیدا می‌کند و روحیه جمع‌گرا و روابط عمیق اجتماع با روحیه فردگرا و روابط سطحی‌تر جامعه جایگزین می‌شود. برای مهاجران قدیمی چنین رویه رفتاری‌ای تبدیل به هنجار می‌شود و نظارت اجتماعی و روابط خاص زندگی در شهرهای کوچک به امری غیرمعمول و ناهنجار بدل می‌گردد و به همین دلیل حاضر نیستند دوباره به شرایط دوران ماقبل مهاجرت خود بازگردند. از سوی دیگر، به تدریج و با اقامت طولانی‌مدت‌تر در تهران و با عادی شدن شرایط، چنین مهاجرانی شبکه خود را در مقصد تشکیل داده‌اند و در مصاحبه‌ها بر خلاف کسانی که به تازگی مهاجرت کرده‌اند به وجود خانواده و فامیل بزرگ در تهران اشاره کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره (۸): «اینجا حدود ۲۰۰ خانواده از فامیل‌هامون هستن. همه همدیگر رو میبینیم و با همیم همیشه... بچه‌هامون دور همیم... احساس غریبی نداریم اصلاً». در چنین شرایطی آنها این‌گونه عنوان می‌کنند که نه تنها در تهران حس غربت ندارند بلکه با زندگی در شهرستان احساس غربت به آنها دست می‌دهد.

علاوه بر این، یکی دیگر از دلایلی که مهاجرانی که طولانی‌مدت ساکن تهران بوده‌اند به آن اشاره می‌کنند وجود درآمد مناسب در تهران است. در واقع، این‌طور به نظر می‌رسد با گذشت زمان و عادی شدن شرایط و همچنین ایجاد ارتباطات و سرمایه اجتماعی بیشتر، امکان درآمد بیشتر برای آنها فراهم می‌گردد و بدین وسیله رضایت بیشتری از اقامت خود در تهران دارند. از دیگر عوامل اصلی تمایل به اقامت مادام‌العمر در تهران برای مهاجرانی که مدتی طولانی از مهاجرت آنها می‌گذرد، اقامت و تشکیل زندگی فرزندان‌شان در تهران است. در واقع، این مهاجران فرزندان خود را در تهران یا به دنیا آورده و بزرگ کرده‌اند و یا در زمان خردسالی فرزندان اقدام به مهاجرت از شهرستان کرده‌اند. حال، با گذشت سال‌ها از مهاجرت، فرزندان آنها در تهران مشغول کار و زندگی شده و تشکیل خانواده داده‌اند و طبیعتاً حس تعلق آنها به تهران

بیشتر از والدین‌شان است و قصد و برنامه‌ای برای مهاجرت از تهران را ندارند. والدین این فرزندان نیز به‌خاطر وابستگی به آنها قصدی برای بازگشت به شهرستان محل سکونت خود ندارد و در نتیجه تا پایان عمر در تهران اقامت خواهند کرد.

توازن درآمد و هزینه در مبدأ و مقصد

در رابطه مقوله تفاوت درآمد و هزینه در مبدأ و مقصد مهاجرت می‌توان این‌گونه بیان کرد که از نظر مهاجران وضعیت دخل و خرج در مبدأ و مقصد تفاوت چندانی ندارد؛ چرا که میزان درآمد در تهران هر چند بالاتر از شهرستان است، اما به همان نسبت میزان هزینه‌ها نیز افزایش یافته است. در شهرستان به علت وجود روابط بیشتر و حمایت‌هایی که از طرف خانواده می‌شدند و همچنین پایین بودن هزینه مسکن، درآمد اندک آنها در شغل‌های غیردلخواه کفاف هزینه‌های کم آنها را می‌داد، ولی در تهران از آنجا که اغلب مهاجرانی که مدت اقامت کوتاهی از مهاجرت آنها به تهران می‌گذرد مستأجر هستند، از این‌رو هزینه مسکن بخش قابل‌توجهی از درآمد آنها را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، هزینه رفت و آمد و همچنین سایر هزینه‌هایی که در شهرستان چندان قابل‌ملاحظه نبود در تهران نسبت زیادی از درآمد آنها را به خود اختصاص داده است. نکته تمایزگذار بین درآمد و هزینه‌ها در مبدأ و مقصد این است که در تهران وجود شغل برای آنها امری مسلم است و درآمد مستقلی که دارند با وجود اینکه با هزینه‌های زیاد اقامت در تهران آن را معادل درآمد ناچیز شهرستان می‌کند، وجود استقلال مالی و پیدا کردن شغل مطابق با شأن و شخصیت خود آنها است و حتی اگر این شغل چندان باب میل آنها نباشد نظارت جمعی‌ای که در شهرستان برای پرداختن به برخی شغل‌ها وجود دارد در تهران وجود ندارد و از گمنامی زندگی در شهری بزرگ برای پرداختن به شغلی که در شهرستان حاضر به انجام آن نبودند، بهره می‌برند.

نتایج مطلوب مهاجرت در زمینه شغلی

به‌دست آوردن شغل در تهران تغییراتی شناختی و اجتماعی در مهاجران پدید آورده است. به‌طوری که از مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان مشخص شد به‌دست آوردن شغل سبب شده است که آنها افزایش درآمد داشته باشند. هر چند که درآمد حاصله آنها به علت هزینه‌های بالا در تهران غالباً کفاف مخارج آنها را نمی‌دهد ولی کسب شغل فی‌الذمه برای آنها

استقلال مالی به همراه می‌آورد. مشارکت‌کننده شماره (۱۰): «قبلاً از لحاظ مالی بیشتر اوقات بی‌درآمد بودم... حداقل از نظر مالی که بهبود پیدا کردم... محیط اطرافم روم تأثیر مثبت داشته... درسته نسبت به بقیه شغل‌های دیگه کمتره درآمدم". این افزایش درآمد نسبت به درآمد شهرستان و کسب استقلال مالی خود نتایج اجتماعی و روانی برای مهاجران به وجود آورده است. یکی از این نتایج بهبود در روابط اجتماعی با اطرافیان است. مشارکت‌کننده شماره (۱): «خب از لحاظ روانی که نه اعتماد به نفس داری نه خودباوری و نه خیلی می‌تونه خودش رو توی جامعه نشون بده و عرض اندام کنه... الان که کار پیدا کردم اینا دیگه برطرف شدن... توی روابط اجتماعی هم بقیه دیدشون نسبت بهت بهتر می‌شه و روابطشونم باهام بهتر شده قطعاً».

از دیگر نتایج به دست آمده از شغل برای مهاجران، بهبود در کیفیت زندگی آنها است. هر چند که این افراد عنوان می‌کنند که به هزینه‌های زندگی نمی‌رسند و مخارج زندگی در تهران بیش از شهرستان است، ولی باید این نکته را نیز در نظر گرفت که بر مبنای یک قاعده نانوشته با افزایش میزان درآمد، هزینه‌های او نیز افزایش می‌یابد. حلقه واسطه بین افزایش درآمد و افزایش هزینه، مقوله نیاز است. در واقع، با افزایش درآمد برای افراد، نیازهای دیگری نیز بر آنها مستولی می‌شود و درآمد کسب شده را به خود اختصاص می‌دهند. برآوردن نیازهای جدید طبعاً با بهره‌مند شدن از سایر خدمات در جامعه همراه است و در نتیجه باعث بهبود در کیفیت زندگی افراد می‌شود. در واقع این کسب شغل برای تازه‌واردان سبب بهبود در کیفیت زندگی و استفاده از امکانات بیشتر نسبت به قبل از مهاجرت شده است. علاوه بر این از نتایج شناختی این تغییر در موقعیت شغلی و درآمدی، افزایش اعتماد به نفس آنها در جامعه و در روابط با سایر افراد بوده است. با این وصف، با در نظر گرفتن ذهنیت جمع‌گرا و احساس تعلق آنها به شهرستان و وجود دیگران مهم این افراد در زادگاه و نه در مقصد، گرایش اصلی تازه‌واردان بازگشت به شهرستان محل سکونت و بهره بردن از نتایج کسب درآمد و شغل در بین اجتماعی است که به آن تعلق دارند. در واقع، برای این تازه‌واردان بازگشت به شهرستان با حفظ موقعیت شغلی در اولویت قرار دارد.

مسائل اجتماعی مهاجران

مسائل اجتماعی گریبان‌گیر مهاجران در مقصد

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده بیان‌گر این مطلب است که غالب مشارکت‌کنندگان بر این نظرند که محله خلیج فارس شمالی داری سه مسئله عمده است که این مسائل عبارتند از: ۱. عدم امنیت محله ۲. شلوغی و وضعیت نامطلوب بهداشتی محله و ۳. پوشش نامطلوب مترو و سامانه اتوبوس‌های تندرو که در ادامه شرح هر یک از کدها آورده شده است.

در رابطه با عدم امنیت محله، مشارکت‌کنندگان عوامل متعددی را ذکر کرده‌اند که سبب ایجاد این ذهنیت ناامن نسبت به محله در آنها شده است. اکثر مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این نظر بودند که دزدی و سرقت در منطقه پدیده‌ای رایج است و بایستی مراقب اموال خود باشند و گرنه احتمال به سرقت رفتن آنها وجود دارد. مشارکت‌کننده شماره (۱): «به هر حال، در هر منطقه‌ای یک سری مشکلات خاص اون منطقه وجود داره... من اینجا یکی از مشکلات اصلیم وجود همسایه دزد و معتادمون است... که کارمون به شکایت و کلاتری کشید...». شاید بتوان این‌گونه عنوان کرد که در مناطق پایین شهر و حاشیه‌ای به علت وجود فقر و بیکاری و همچنین عدم حضور کافی پلیس در محلات پتانسیل وقوع جرائمی مانند سرقت بیشتر از سایر محلات با وضعیت اجتماعی و اقتصادی بهتر است.

اعتیاد، کارتن‌خوابی، فقر، بیکاری و حاشیه‌نشینی واژه‌هایی هستند که قرابت همیشگی با یکدیگر دارند. هر جا وجود یکی از موارد فوق شیوع یابد می‌توان انتظار داشت که سایر موارد دیگر نیز همراه آن هستند و به‌عنوان پیامد، به دنبال آن شایع خواهند شد. در محله خلیج فارس شمالی نیز به علت اینکه این محله جزء محلات حاشیه‌ای و فقیرنشین شهر تهران محسوب می‌شود و به علت ارزان‌تر بودن هزینه‌ها نسبت به بسیاری دیگر از محله‌های شهر تهران، مقصد حجم بالایی از مهاجران سایر استاهای محروم کشور می‌باشد؛ در نتیجه انتظار شیوع آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و کارتن‌خوابی پدیده‌ای چندان دور از ذهن نیست. «مشارکت‌کننده شماره (۱۴): «اصلی‌ترین مشکل ما اینه که محله‌ش پایین تهرانه و سطح پایینی داره و معتاد و اوباش زیادی داره... همسایه خودمون هم دزدی می‌کنه و همش می‌ترسیم که خونه رو بار بزنه بره...». به مانند اعتیاد و دزدی، دست‌فروشی و تکدی‌گری نیز یکی از ویژگی‌های محله‌های فقیرنشین است. حلقه مسائل اجتماعی در محله‌های فقیرنشین دور باطل و کاملی دارد. دور باطل

داشتن این حلقه بدین معنا است که هر کدام از این مسائل علت وجود مسئله دیگر است و همزمان با تأثیر بر مسئله دیگر، سبب بازتولید خود نیز می‌شوند. دور کامل نیز بدین معنا که این مسائل هر یک تولیدکننده یکدیگر هستند و می‌توان انتظار داشت که این مسائل بخش جدایی‌ناپذیر محلات محروم و فقیرنشین و فقیرپذیر هستند. دست‌فروشی و تکدی نیز به مانند مسائل اجتماعی دیگر، مسئله‌ای است که بسته به ماهیت آن می‌توان در محله خلیج فارس شاهد آن بود. این مسئله در ذهن مشارکت‌کنندگان به عنوان یکی از مسائلی مطرح شده که سبب کاهش احساس امنیت محله شده است. مشارکت‌کننده شماره (۷): «مردمش و بچه‌هاش از نظر مالی و معیشتی در وضعیت خیلی پایینی هستن و غالباً به کارهای کاذب مشغولن مثل دست‌فروشی و نمکی و تکدیگری و... هستند و از لحاظ فرهنگی هم خب پایین شهرن و فرهنگشونم پایینه». یکی از ویژگی‌های افراد طبقه پایین جامعه در مراودات اجتماعی مهارت ناکافی در حل و فصل کردن مسائل خود با گفتگو و مباحثه است. به عبارتی افراد محروم توانایی و مهارت ارتباطی کمتری نسبت به اقشار بالاتر جامعه دارند و به همین دلیل در زمان بروز مشکلات به دلیل مهارت کمتر ارتباطی دست به خشونت فیزیکی می‌زنند که این امر سبب می‌شود که افراد نزدیک به آنها دچار احساس عدم امنیت شوند. چنین رفتاری محصول تجارب زندگی و مواجهه با مسائل اجتماعی دیگر است که در جسم و روان این افراد حک شده و به صورت خلق و خوی رفتاری خود را نمایان می‌سازد. با وجود سکونت اقشار فقیر و محروم جامعه در محلات حاشیه‌ای و فقیرنشین، وجود چنین مسائلی نیز دور از انتظار نیست. به همین جهت مهاجران منطقه خلیج فارس نیز از برخورد با چنین مسائلی به کرات یاد کرده و به نظر آنها از عوامل سلب امنیت محله وجود اراذل و اوباش در محله است که اقدام به زورگیری و دعوا می‌کنند. «مشارکت‌کننده شماره (۴): «قبلاً چاقوکش و لات زیاد داشت... به سری داشت. هر کی دعوا می‌کردن باهاشون می‌کشتنش. به صندوق داشتن پولشو می‌دادن و تمام».

با اندکی تأمل در قیاس محلات متعلق به قشر بالای جامعه با محلات فقیرنشین می‌توان متوجه این امر شد که یک پدیده مشخص چطور در دو منطقه متفاوت اجتماعی و اقتصادی چهره خود را نمایان می‌سازد. بیکاری در منطقه پایین شهر یک اجبار اجتماعی است که از سوی جامعه به جوانان تحمیل می‌شود، در حالی که در بخش‌هایی از طبقه بالای جامعه امری است اختیاری، و تن ندادن به کار و فعالیت تبدیل به ارزشی شده که در بین طیفی از جوانان طبقه بالا

رایج است و بسیاری از جوانان این طبقه به واسطه وجود سرمایه اقتصادی بالای خانواده حاضر به کار و فعالیت نیستند. طریقه مواجهه با پدیده بیکاری نیز به واسطه دسترسی به امکانات و بهره‌مندی از سرمایه متفاوت است؛ به طوری که در طبقه پایین و در محلات فقیرنشین بیکاری با موتورسواری و تلف کردن وقت با دوستان هم‌موقعیت در کوچه و خیابان خود را نشان می‌دهد و در طبقه بالا با خیابان‌گردی با ماشین‌های گران‌قیمت و پارتی و کافه‌نشینی و نمایش زندگی مصرفی خود را متجلی می‌کند. بیکاری در محله خلیج فارس شمالی نیز به واسطه سکونت قشر فقیر شهری در آن بالطبع خود را با موتورسواری و کوچه‌گردی و ایستادن سر گذر نمایان می‌سازد.

غالباً محله‌های پایین شهر و حاشیه‌نشین را جزو محلات شلوغ و کثیف و بی‌نظم قلمداد می‌کنند. به نظر می‌رسد که شلوغ بودن این محلات نه از روی جاذبه‌های آن بلکه به دلیل وجود خیل عظیم اقشار پایین جامعه برای زندگی در این مناطق است؛ چرا که توانایی زندگی در جایی غیر از چنین مکان‌هایی برایشان میسر نیست و توان مالی آنها کفاف زندگی در مناطق دیگر را نمی‌دهد. در واقع، تراکم بالای جمعیت، ناشی از فقر ساکنان است که مجبور به زندگی در محلاتی هستند که در آنجا هزینه‌های زندگی کمتر از سایر مناطق است. از سوی دیگر، کثیف و بی‌نظم بودن محله شاید بسته به دو عامل باشد که یکی عینی و دیگری ذهنی است. عامل عینی احتمالاً رسیدگی کمتر شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های متولی به این مناطق به نسبت محله‌های بالا شهر سبب می‌شود بی‌نظمی و کثیفی جلوه محله را دگرگون کند. عامل ذهنی نیز احتمالاً به وندالیسم اجتماعی برمی‌گردد. وندالیسم زمانی به وجود می‌آید که افراد احساس کنند که جامعه، سازمان، نهاد و... حق آنها را نپرداخته و به وظایف خود در برابر آنها بی‌توجه است. چنین برآورد ذهنی‌ای احتمالاً با تخریب و کارهای خرابکارانه و شکستن وسایل و... خود را نشان می‌دهد. در رابطه با ساکنان محله‌های پایین شهر نیز شاید بتوان چنین استنباطی کرد که آنها برای مقابله با این احساس بی‌مسئولیتی جامعه و نهادها نسبت به وضعیتشان اقدام به کثیف و بی‌نظم کردن محله خود می‌کنند و یا حداقل در قبال محله خود احساس تعهد و مسئولیتی ندارند که آن را تمیز و پاکیزه و منظم نگه دارند. پیوند این دو بعد ذهنی و عینی سبب کثیف جلوه کردن محله‌های پایین شهر می‌کند که خود یکی از مسائل اجتماعی ساکنان چنین محله‌هایی است که ساکنان آن نیز در بازتولید این مسائل عاملیت دارند.

از دیگر مسائلی که مشارکت‌کنندگان در تحقیق از آن به‌عنوان مسئله اجتماعی در محله خلیج فارس شمالی یاد کرده‌اند پوشش نامطلوب مترو و بی‌آرتی (اتوبوس‌های تندرو) است. غالب مشارکت‌کنندگان از خدمات حمل و نقل عمومی در این محله ناراضی هستند. مشارکت‌کننده شماره ۲: «مترو که نداره اینجا (محله خلیج فارس) مجبورم با تاکسی صبح زود برم تا میدان آزادی بعد از اونجا برم دنبال کارم... اینجا روی هم تقریباً یک ساعت و نیم از من وقت می‌بره». عدم پوشش مناسب مترو و بی‌آرتی در محله خلیج فارس سبب شده که نه‌تنها ساکنان زمان بیشتری در روز صرف رفت و آمد کنند، بلکه با توجه به درآمد اندک و استفاده از سیستم حمل‌ونقل خصوصی، بار مالی بیشتری را متحمل شوند.

در واقع، غالب مشارکت‌کنندگان بر نامطلوب بودن محله خلیج فارس بنا به وجود عوامل فوق‌الذکر تأکید داشتند، هر چند برخی بر این نظر بودند که این وضعیت نامطلوب نسبت به گذشته کمتر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق بیان‌گر این مطلب است که غالب مشارکت‌کنندگان بر این نظر هستند که محله خلیج فارس شمالی دارای سه مسئله عمده عدم امنیت محله، شلوغی و وضعیت بهداشتی نامناسب محله و پوشش نامطلوب حمل و نقل عمومی (مترو و بی‌آرتی) است. در رابطه با عدم امنیت محله، مشارکت‌کنندگان عوامل متعددی مانند دزدی، وجود معتادان، وجود دست‌فروشی و تکدی‌گری، وجود اراذل و اوباش، زورگیری و دعوا در محله و تعدد جوانان بیکار و موتورسوار را ذکر کرده‌اند که در آنها سبب ایجاد این ذهنیت ناامن نسبت به محله شده است.

از دیگر نتایج تحقیق نوع نگرش مشارکت‌کنندگان در ارتباط با ماندگاری در تهران است. ماندگاری در تهران برای مهاجران را می‌توان در دو وضعیت مشاهده کرد. یک وضعیت در ارتباط با مهاجرانی اتفاق افتاده که مدت زیادی از اقامت آنها در تهران نمی‌گذرد و وضعیت دوم در ارتباط با مهاجرانی است که مدتی طولانی از زمان مهاجرت آنها می‌گذرد. در وضعیت نخست، عامل اصلی که سبب شده مهاجران به منطقه محل سکونت خود بازنگردند ترس از بیکار شدن در شهرستان زادگاه‌شان است و نه جذابیت مقصد مهاجرت. در این وضعیت مهاجران تمایل بسیاری به بازگشت به شهرستان محل سکونت خود دارند ولی به علت مهیا نبودن شرایط کاری

و شغلی مجبور به اقامت در تهران هستند و این اقامت توأم با بیزاری از سکونت در تهران است. در طرف دیگر مهاجران قدیمی نه به دلیل نبود شغل در شهرستان بلکه برای پیشرفت بیشتر و به دست آوردن کار بهتر به تهران مهاجرت کرده‌اند؛ یعنی مهاجرت آنها از نوع کاری و اقتصادی بوده است که این یافته با نظریه محرومیت نسبی قابل تبیین است. مُبدعان این رویکرد (استار، ۱۹۸۴ و ۱۹۹۱ و استارک و بلوم، ۱۹۸۵) معتقدند که افراد یا خانوارها نه فقط برای به حداکثر رساندن درآمد مطلقشان، بلکه همچنین جهت بهبود موقعیت‌شان نسبت به گروه‌های مرجع خود مهاجرت می‌کنند. با طولانی شدن زمان مهاجرت غالباً شرایط سخت اولیه رو به عادی شدن می‌گذارد و مقتضیات زندگی در شهرهای بزرگ جایگزین شرایط زیست در شهرهای کوچک می‌شود. به تدریج و با اقامت طولانی مدت‌تر در تهران و با عادی شدن شرایط، چنین مهاجرانی شبکه خود را در مقصد تشکیل داده‌اند. علاوه بر این، یکی دیگر از دلایلی که مهاجرانی که برای زمانی طولانی ساکن تهران بوده‌اند اشاره می‌کنند وجود درآمد مناسب در تهران و همچنین اقامت و تشکیل زندگی فرزندان‌شان در تهران است.

از دیگر نتایجی که در این تحقیق حاصل شد این است که به دست آوردن شغل در تهران تغییراتی شناختی و اجتماعی در مهاجران پدید آورده است. به طوری که از مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان مشخص شد که به دست آوردن شغل سبب شده است که آنها افزایش درآمد داشته باشند و نسبت به وضعیت قبل از مهاجرت خود از استقلال مالی برخوردار شوند. این افزایش درآمد و کسب استقلال مالی، برای آنها نتایج اجتماعی‌ای مانند بهبود در روابط اجتماعی با اطرافیان، و بهبود کیفیت زندگی و استفاده از امکانات بیشتر نسبت به قبل از مهاجرت به ارمغان آورده است. علاوه بر این، از نتایج شناختی این تغییر در موقعیت شغلی و درآمدی، افزایش اعتماد به نفس مهاجران در جامعه و بهبود روابط اجتماعی‌شان بوده است.

در رابطه با علت اصلی مهاجرت، اکثر مهاجران که غالباً نیز کسانی هستند که مدت کوتاهی از مهاجرت آنها می‌گذرد، نبود شغل و کار در شهرستان محل سکونت خود را به عنوان علت اصلی مهاجرت ذکر کرده‌اند. در واقع، از نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، علت اصلی مهاجرت دافعه مبدأ بوده است تا جاذبه مقصد. به طوری که اگر شغلی در شهرستان برای آنها وجود داشت که به نوعی شأن و منزلت آنها نیز حفظ می‌شد قاعدتاً آنها شرایط زندگی در تهران را تحمل نکرده و ابتدا به ساکن مهاجرت نمی‌کردند و حتی در صورت وجود شغل در شهرستان

محل سکونت خود، بدون درنگ به آنجا بازمی‌گشتند. این یافته نیز با تئوری مهاجرتی جاذبه - دافعه قرابت دارد. این نظریه در تبیین مهاجرت بر عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی میان مبدأ و مقصد متمرکز شده است و بیان می‌دارد که وجود عدم تعادل‌های اجتماعی - اقتصادی در مبدأ، موجب دفع افراد از این مناطق می‌شود، و برعکس.

مشارکت‌کنندگان این تحقیق تنها یک دلیل را علت اصلی انتخاب محله خلیج فارس شمالی برای محل سکونت در تهران عنوان کرده‌اند و آن هم کمتر بودن هزینه‌ها نسبت به سایر محله‌های دیگر است. ولی آن‌گونه که مشخص است، دلیل دیگری که در این رابطه می‌توان برشمرد، تشکیک شبکه اولیه یا همان وجود آشنایان قبلی در محله خلیج فارس در زمان قبل از مهاجرت آنهاست. این یافته بر اساس نظریه شبکه مهاجرت نیز قابل تبیین است. تئوری شبکه به‌طور مشخص توسط داگلاس مسی مطرح شد که "علیت تجمعی" مهاجرت را مورد بررسی قرار داد. در این دیدگاه هزینه و فایده مهاجرت در قالب شبکه‌های مهاجرتی مورد تبیین قرار می‌گیرد. آن‌گونه که از یافته‌های تحقیق حاضر مشخص است دلیل اصلی مهاجرت برای تازه‌واردان به محله خلیج فارس جستجوی کار و پیدا کردن شغلی است که بتوانند با آن زندگی آبرومندی را اداره کنند. به عبارتی، جریان مهاجرت به محله خلیج تهران را می‌توان مهاجرت کاری تعریف نمود. سیل مهاجرت‌ها به تهران و ساکن شدن در مناطق و محله‌های فقیرنشین استان تهران برای به‌دست آوردن شغل و کسب درآمد حاکی از روندی نامتوازن در الگوی توسعه در ایران است. امری که از دیدگاه مهاجران نسبت به مهاجرت به تهران می‌توان درک کرد این است که مهاجرت برای آنها یک اجبار اجتماعی است تا انتخابی از سر علاقه؛ چرا که تمامی این تازه‌واردان به منطقه زادگاهشان احساس تعلق دارند و در فکر و ذهنشان برنامه‌ای برای بازگشت تنظیم کرده و می‌پروارند. درواقع، اگر سیاست‌های توسعه‌ای کشور از حالت تمرکزگرایی به سمت و سوی تمرکززایی سوق می‌یافت این مهاجرت‌های عظیم به سمت و سوی مرکزی که کار و درآمد در آنجا یافت می‌شود، تعدیل می‌شد.

نگاه تمرکزگرا به توسعه و عدم توجه به حاشیه‌ها در امر توسعه سبب شده تهران به‌عنوان مرکز و قطب کار و فعالیت برای فرودستان استان‌های حاشیه‌ای بدل شود و این فرودستان به ناچار باید غم غربت و شرایط سخت زندگی در محیطی با روابط اجتماعی متفاوت از محل سکونت خود را به جان بخرند و در جستجوی شغل راهی تهران شوند. این سیاست تمرکزگرا

در توسعه نه تنها برای استان‌های حاشیه‌ای کشور امری نامیمون است و سبب فقر هر چه بیشتر ساکنان فرودست آنها می‌شود بلکه در درازمدت تبدیل به یک مسئله اجتماعی برای استان‌های مرکزی می‌شود. همان‌گونه که در حال حاضر این امر اتفاق افتاده و می‌توان شاهد انواع گوناگون مسائل و انحرافات اجتماعی در شهرها، مناطق و محله‌های فرودست‌نشین و حاشیه‌ای تهران بود. در این وضعیت بروز و شیوع آسیب‌ها، این تنها فرودستان نیستند که آسیب می‌بینند بلکه به واسطه درهم‌تنیدگی و پیوستگی چرخه زندگی در شهرها، گروه‌های بهره‌مندتر جامعه نیز درگیر این آسیب‌ها می‌شوند و زندگی آنها نیز تحت تأثیرات منفی این مسائل قرار می‌گیرد. در نتیجه، در پیش گرفتن سیاست تمرکززدایی در روند توسعه، دیگر نه پیشنهاد بلکه اجباری است تا وضعیت کلان‌شهر تهران به صورت خاص و وضعیت گروه‌های فرودست جامعه در تمامی استان‌های محروم کشور به سمت و سوی ثبات و بهره‌مندی از حداقل‌های زندگی جهت یابد.

ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که با طولانی شدن مدت اقامت این تازه‌واردان مهاجر به محلات فقیرنشین شهر تهران، احساس تعلق آنها به مبدأ مهاجرت یا زادگاه کاسته شده و تمایلی برای بازگشت به شهرستان ندارند و با بهره‌گیری از راه‌حل‌های ابداعی اقشار فرودست سعی در تثبیت موقعیت خود و اسکان در تهران برمی‌آیند و نتیجتاً این راه‌حل‌های ابداعی منتج به تولید اسکان غیررسمی در شهرک‌ها و محله‌های اقماری و حاشیه‌ای با وفور آسیب‌های اجتماعی می‌شود که تمامی کلان‌شهر را تحت تأثیر آثار منفی خود قرار می‌دهد. در نتیجه، ایجاد شغل در مبدأ بهترین سیاست برای تعدیل مهاجرت به سمت تهران و کاهش مسائل اجتماعی نشر یافته از حاشیه‌های آن است. یافته‌های مطالعه حاضر با نتایج برخی مطالعات پیشین (شمسی‌الدینی و گرجیان، ۱۳۸۹؛ مانپور و امیری فهلیانی، ۱۳۹۴؛ محمودیانی، ۱۳۹۶؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷؛ قاسمی اردهایی، ۱۳۸۷؛ راغفر و قاسمی اردهایی، ۱۳۸۸) هماهنگ است. با توجه به نتایج مطالعه حاضر می‌توان تداوم مهاجرت شتابان به شهر تهران و گسترش مناطق شهرک‌های اقماری و حومه‌ای را از کانون‌های آسیب‌زای جامعه ایران دانست. تلاش در راستای رفع عوامل رانشی یا دافعه در مناطق جغرافیایی مهاجرفرست می‌تواند سرعت و حجم مهاجرت از آن مناطق کاهش دهد. از آنجایی که عمده مهاجران خارج شده از مناطق مهاجرفرست جوانان را شامل می‌شود لذا کاهش جریان مهاجرفرستی از سویی می‌تواند به توسعه مناطق مبدأ کمک کند و از سویی می‌تواند از بار آسیب‌های اجتماعی متعاقب آن در مقصدهای مهاجرتی بکاهد.

اشتغال‌زایی در مناطق مهاجرفرست می‌تواند به‌عنوان راه‌کاری برای ماندگاری جمعیت در این مناطق تأثیرگذار باشد.

در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی نمود: از آنجایی که نمی‌توان مانع از توسعه‌یافتگی مناطق توسعه‌یافته‌تر داخلی شد و حتی باید روند صعودی آنها تداوم یابد، لذا بهترین برنامه‌سیاستی که باید توسط سیاست‌گذاران لحاظ شود همان تلاش در راستای رفع عوامل مهاجرفرستی در مناطق توسعه‌نیافته داخلی است. تمرکززدایی از مرکز نیز می‌تواند روند فوق را تسریع نماید.

منابع

ایراندوست، کیومرث، محمدحسین بوچانی و روح‌الله تولایی (۱۳۹۲). تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۶، صص ۱۱۸-۱۰۵. بنی‌اسدی، مصطفی، محمدرضا زارع مهرجویی و حجت‌ورمزیاری (۱۳۹۲). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت روستاییان در ایران، فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۹۶-۱۸۳.

جعفرلو، علی‌اکبر (۱۳۹۷). تحلیلی بر نقش مهاجرت در ایجاد آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهر الوند در استان قزوین)، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۶۳-۴۴۵. حسینی، قربان، رسول صادقی، علی قاسمی اردهابی و ولی‌اله رستمعلی‌زاده (۱۳۹۶). تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استان‌های ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۱-۱۸.

راغفر، حسین و علی قاسمی‌اردهابی (۱۳۸۸). علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی-اقتصادی مهاجران بین‌شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۴، شماره ۸، صص ۳۹-۶۱.

ربانی، رسول، زهرا طاهری و زهرا روستا (۱۳۹۰). بررسی علل و انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی-اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۰۸-۸۳.

رصدخانه شهری تهران (۱۳۹۶). اطلس کیفیت زندگی شهر تهران: ارزیابی کیفیت زندگی در کلانشهر تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

زاهد، سیدزاهد و فریبا خورشیدی (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر رضایتمندی از مهاجرت به شهر نورآباد ممسنی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره ۲، صص ۶۶-۴۷.

- شهرداری تهران (۱۳۹۹). قابل دسترس در: <https://region18.tehran.ir>
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۷). *جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان*، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده‌ی آمار.
- قاسمی اردهایی، علی، حسین محمودیان و رضا نوبخت (۱۳۹۶). تحلیل علل مهاجرت‌های داخلی ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۳، صص ۳۹۰-۳۷۵.
- قاسمی، پروین (۱۳۹۷). مسکن، مهاجرت و محله‌های مردمی؛ راهبردهای بقا و ارتقا در میان مهاجران کم درآمد شهری (مطالعه موردی: خانواده مهاجر ساکن محله خزانه در تهران، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۵۵۲-۵۲۳.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی و جابجایی جمعیت، *پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، سال ۲، شماره ۴، صص ۶۹-۴۲.
- محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، تهران: *طرح مشترک دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران*.
- محمودیان، حسین و علی قاسمی اردهایی (۱۳۹۰). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران، تهران: *طرح مشترک دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران*.
- محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۶). زنان و مهاجرت: مطالعه نقش زنان در جریان مهاجرت‌های خانوادگی به استان تهران، *رساله دکتری در رشته جمعیت‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین، مجتبی قدیری معصوم، محمدرضا رضوانی، عبدالحمید نظری و بهمن صحنه (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان؛ مطالعه موردی شهرستان آق قلا، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۳، صص ۸۳-۶۷.
- مظاهری، محمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر تأثیر متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیرگذار آن، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۶۹.
- میرزاصطفی، سیدمهدی و پروانه قاسمی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر مهاجرت استانی با استفاده از مدل جاذبه، *فصلنامه سیاست‌های اقتصادی و مالی*، سال ۱، شماره ۳، صص ۹۶-۷۱.

- Nigeria: a case study of Oyo state*, Nigeria, *Hum.Ecol*, 17(1): 13-16.
- Adhikari, P. (2012). Assessment of the factors influencing the migration decision on Nepalese to the United States of America, *PhD Dissertation*, Southern University and A & M College.
- Beauchemin, C. (2011). Rural-Urban migration in West Africa: towards a reversal? Migration trends and economic situation in Burkina Faso and Coted, Ivoire, *Space and Place*, 17: 47-72.
- Castles, S., & Miller M. (1998). *The Age of Migration: International Population Movements in the Modern World*, 2nd edition, London: Macmillan Press.
- Champion, T. (2001). The continuing urban-rural population movement in Britain: trends, patterns, significance, *Espace, Population*, 1(2): 37-51
- Chant, S. & Radcliffe S. A. (1992). *Migration and development: the importance of gender*, in: *Sylvia Chant* (ed.), Gender and migration in developing countries, London, England, Belhaven Press: 1-29.
- De Jong, G. F. (2000). Expectations, gender and norms in migration decision-making, *Population Studies*, 54: 307-319.
- Hoggart, K. (1996). Rural migration and Counterurbanization in European Periphery: The Case of Andalucia, *Sosiologia ruralis*, 37(1): 134-153.
- Koppel, B. (1976). Toward Sociogenic Migration Theory, *International Migration Review*, 10 (2): 233-248.
- Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A. and Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal, *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- Mendola, M. (2010). Rural out-migration and economic development at origion: A review of the evidence, *International Development*, 24: 102-122.
- Parillo, V. N. (2008). *Encyclopedia of Social problems*, United States: SAGE Publication.
- Parillo, V. N. (2008). *Encyclopedia of Social problems*, United States: SAGE Publication.
- Parrado E. and Flippen C. A. (2005). Migration and gender among Mexican Women, *American Sociological Review*, 70: 606-632.
- Ranis, G., and Fei, J. C. H. (1961). A Theory of Economic Development, *The American Economy Review*, 51 (4): 533-565.
- Stark O. & Bloom D. E. (1985). The New Economics of Labor Migration, *American Economic Review*, 75 (2): 173-178.
- Todaro, M. P. (1969). A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries, *American Economic Review*, 59: 138-148.
- White, A. (2009). Internal migration, identity and livelihood strategies in contemporary Russia, *Journal of Ethnic and Migration Review*, 35 (4): 555-573.
- Yue, H. (2008). Three essays on migration, *PhD dissertation*, Department of Economics, University of Manitoba.

**Reasons and Social Problems related to Migration from the
Perspective of Immigrants in the North Persian Gulf Neighborhood
District in Tehran City**

Younes akbari *, Mohammad Hossein Boochani**, Serajeddin Mahmoudiani ***

Abstract

The present study uses a qualitative method to investigate the reasons affecting migration and social problems of immigrants in the north Persian Gulf district of Tehran. The sample size in this study was 23 immigrants living in the north Persian Gulf district who were selected based on theoretical sampling. Interviews were conducted in winter 2019 and spring 2020 and were analyzed using conventional content analysis. Findings showed that the feeling of insecurity in the district, crowded and inappropriate health situation district and the unfavorable situation of public transportation are the most important current social problems of immigrants in the study area. For immigrants' unemployment at the origin was a necessary condition and the presence of acquaintances at the destination was a sufficient condition for immigration and obtaining a job was the most important outcome of immigration. However, long-term and short-term stays at the destination make a difference in the attitude of immigrants towards staying at the destination or returning to the origin. It seems the centralized policy of development causes not only greater poverty for the lower inhabitants of the country's marginal provinces, but also in the long-time, it will cause social problems and deviations in the suburb and marginalized districts of Tehran.

Keywords: Migration, Social and demographic problems, North Persian Gulf district, Qualitative study.

* PhD in Sociology, Faculty member of Institute of Humanities and Social Studies (acecr) (Corresponding Author). E-mail: younes.akbari1987@gmail.com

** PhD in Geography and Urban Planning, Lecturer at Department of Urban Planning, Azad University of South Tehran, and Head of the Center for Studies and Planning in Tehran. E-mail: boochani10@yahoo.com

*** Assistant Professor of Demography, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University. E-mail: serajmahmoudiani@gmail.com